

## روابط دختر و پسر از دیدگاه قرآن

عبدالعلی عادل

دانش‌پژوه کارشناسی ارشد علوم قرآن و دانش‌آموخته‌ی جامعه علمیہ امیرالمؤمنین (ع)

### چکیده

در نوشتار حاضر مسئله‌ی روابط دختر و پسر که یکی از معضلات اجتماعی عصر حاضر می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است. نخست دیدگاه‌ها پیرامون آن مطرح و ادله‌ی آنان نقد و بررسی شده است، سپس این مسئله از منظر قرآن کریم مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این زمینه به ماجرای ارتباط حضرت موسی (ع) با دختران شعیب (ع) به عنوان الگوی ارتباطی جوانان مؤمن استناد شده است و سرّ پیروزی یوسف (ع) در برابر زلیخا را نیز نشأت گرفته از ایمان عمیق و باورهای راستین او می‌داند.

در پایان به برخی پیامدهای خطرناک فردی و اجتماعی روابط ناسالم دختر و پسر هم‌چون؛ افت تحصیلی، افزایش هیجان‌های جنسی، ازدواج‌های ناشایسته، سست شدن اساس خانواده، اشاعه‌ی فساد و فحشا، اتلاف نیروهای فعال و جوان جامعه و... اشاره گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** دختر، پسر، روابط دختر و پسر، پیامدها، سهل انگاری،

افت تحصیلی و هیجانان جنسی.

## مقدمه

یکی از معضلات اجتماعی که بسیاری از جوامع به آن مبتلا هستند، مسئله‌ی روابط ناهنجار و غیر اخلاقی دختر و پسر است. این مسئله در عصر حاضر از آن جهت، اهمیت دو چندان یافته که هر لحظه صدها پیام تخریب کننده از کانال‌های مختلف بر روح و روان جوانان مسلمان نشسته، ثبات و استحکام خانواده‌ها را متزلزل و به جای آن آمار ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی رو به گسترش است. طرف داران مکاتب مادی بشری نیز با ارائه‌ی لذت‌های مقطعی و زود گذر و اضطراب‌ها و آشفتگی‌های حاصل از آن، روزگار جوانان را سیاه می‌کنند، استعدادها و توانمندی‌های آنان را در مسیر نارسایی‌ها و انحرافات به کار می‌گیرند تا انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی را نتیجه بگیرند. اما مکتب انسان‌ساز اسلام، برخلاف دیگر مکاتب بشری، بر روابط سالم و انسانی تمامی اقشار جامعه از جمله دختر و پسر تأکید نموده و روابط آنان را در خارج از هنجارهای دینی نمی‌پسندد. از این‌رو، قرآن کریم که مهم‌ترین منبع دینی مسلمانان محسوب می‌شود، در آیات فراوانی به این مهم پرداخته و راهکارهایی را جهت سالم‌سازی جامعه ارائه نموده است که در این نوشتار به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

## تبیین موضوع

مراد از روابط ناهنجار و ناسالم دختر و پسر روابطی است؛ که نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی میان دختر و پسر برقرار می‌شود که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه، ارتباطات تلفنی، ارتباطات اینترنتی و رایانه‌ای و... که عمدتاً بدون رعایت موازین شرعی و اخلاقی صورت می‌گیرد. (علی اصغر احمدی، ۱۳۷۶، ص ۶۹) درست نقطه‌ی مقابل این تعریف را نیز می‌توان برای روابط سالم دختر و پسر مد نظر قرار داد.

## دیدگاه‌ها پیرامون روابط دختر و پسر

در خصوص روابط دختر و پسر سه دیدگاه عمده وجود دارد؛ که عبارتند از: دیدگاه تفریطی و سهل‌گیرانه، دیدگاه افراطی و دیدگاه اعتدالی و میانه. دسته‌ی اول، بر آزادی مطلق و بی‌قید و بند دختر و پسر تأکید می‌نمایند و هر نوع ارتباط را برای این دو طیف مجاز می‌دانند. درمقابل، دیدگاه دوم که مبتنی بر انزوای کامل دختر و پسر از صحنه‌ی اجتماع است معتقدند؛ هیچ‌گونه ارتباطی برای این دو قشر جایز نیست. دسته‌ی سوم که از اندیشه‌ی متعادل برخوردارند، با نامعقول دانستن فرض اول و ناممکن دانستن فرض دوم، راه سوم را بر گزیده‌اند که نقاط منفی هر دو دیدگاه را نادیده گرفته و نقاط مثبت آن دو را اخذ نموده‌اند. هر کدام از این دیدگاه‌ها دلایلی بر مدعای خودشان دارند که به ترتیب مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. دیدگاه تفریطی و دلایل آنان

بر پایه‌ی این دیدگاه، دو جنس مخالف به هر نحوی که خواسته باشند اعم از گفت و شنود، مسافرت، رفاقت، تماس بدنی، حتی به قصد کام گرفتن از یک‌دیگر، می‌توانند با هم دیگر ارتباط داشته باشند. طرف‌داران این ارتباط افسار گسیخته، جوامع غربی و هم‌فکران آنان است و نظریه‌پردازان آن، امثال برتراند راسل و فروید می‌باشند. (ر. ک: مرتضی مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۲-۳۶)

### دلایل طرف‌داران این نظریه

طرف‌داران این نظریه، برای اثبات نظریه‌ی خود شان به دلایلی استناد کرده‌اند که جهت روشن شدن بحث، مهم‌ترین دلایل شان را به‌طور اجمال بررسی و تحلیل می‌کنیم:

#### الف: عصر ارتباطات

یکی از عمده‌ادله‌ی این گروه اینست که می‌گویند: عصر حاضر، عصر ارتباطات و

اطلاعات است اوضاع حاکم بر جامعه‌ی جهانی، جدایی دو جنس مخالف را ناممکن گردانیده؛ زیرا همان گونه که در این عصر فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفتگو و ارتباط میان هم تن داده‌اند، ارتباط میان افراد بشر را نیز باید فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب پذیرفت. (عباس نیک زاد، ۱۳۸۳، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۱۵۵۰)

### نقد و بررسی

گفتگو و تعامل با دیگران به معنای نادیده گرفتن و زیرپا گذاشتن ارزش‌ها، باورها و از خودبیگانگی نیست، به بهانه‌ی برداشتن مرزها و ارتباطات بشر امروز، نباید از فرهنگ دینی سرپیچی کنیم. قرآن کریم فساد اخلاقی را از مهم‌ترین عوامل عذاب الهی و فروپاشی تمدن‌ها برشمرده است. (سوره اعراف، آیه ۹۶) خیزش و جوش همه‌ی تمدن‌ها با تقوای الهی مردان و زنان آغاز می‌شود و نیز بی‌تقوایی و فساد اخلاقی، مهم‌ترین عامل فروپاشی تمدن‌ها و حکومت‌ها است. چالش‌های روابط آزاد دختر و پسر، در دنیای امروز برای تمامی جهانیان پیامدهای ناگوار و غیر قابل کنترلی را به وجود آورده است؛ فحشاء، فساد، ابتذال، روابط نامشروع، مجلات ضد اخلاقی، صنعت سکس، برنامه‌های مستهجن ماهواره‌ای و اینترنتی شواهد زنده و گویایی بر این مدعی هستند. مطالعه‌ی تطبیقی که در شصت و شش کشور جهان صورت گرفته، نشان‌دهنده‌ی آنست که هر چه زنان در جامعه بیشتر با مردان مرتبط باشند، میزان طلاق بالاتر خواهد بود. (حسین بستان، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳) اختلاط دختر و پسر با توجه به جاذبه‌های طبیعی دو جنس، زمینه‌های مساعدی را برای زوال تدریجی خانواده، خیانت، طلاق، خودکشی و... فراهم آورده است که به هیچ وجه برای جامعه صلاح نیست.

### ب: کم کردن حساسیت‌ها و تنش‌ها

یکی دیگر از دلایل این گروه، کم کردن حساسیت‌ها و تنش‌ها است؛ این دسته معتقدند که دور کردن دختر و پسر از یک‌دیگر و ممنوعیت اختلاط و ارتباط آنان،

باعث افزایش التهاب و اشتیاق می‌شود، اما وجود روابط بین دو جنس در محیط‌های مانند دانشگاه‌ها، حساسیت‌ها و تنش‌های میان دختر و پسر را به حد اقل می‌رساند، و از طرفی نگاه جامعه و دید خانواده‌ها نیز تغییر می‌کند، و اختلاط را امر عادی و مسئله‌ی حل شده فرض می‌کنند. بنابراین، برای مهار و کنترل غریزه‌ی جنسی و کاستن از حساسیت‌ها، باید هر گونه اختلاطی را مجاز دانست. تا زمینه‌ی حساسیت‌ها و تنش‌ها در روابط دختر و پسر به وجود نیاید و حرص و ولع کاذبی نسبت به برقراری ارتباط با جنس مخالف پیدا نشود. (عباس نیک زاد، ۱۳۸۳، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۱۵۰)

### نقد و بررسی

اشکال اساسی این نظریه اینست که قائلین به آن، ناکامی‌ها و ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی را معلول قیود و محدودیت‌های اجتماعی می‌دانند، در حالی که برداشتن محدودیت‌ها و اعطای آزادی بی‌حد و حصر، تحریکات و هیجانات رفتاری و اخلاقی را به دنبال دارد؛ زیرا جنبه‌های خصوصیتی دو جنس مخالف و گرایش‌های طبیعی این دو که در واقع شگفت‌انگیزترین عامل تداوم حیات انسانی است، عامل جذب و کشش این‌ها می‌باشد. و زمانی که با خودنمایی و تحریک‌پذیری از هر دو طرف رو به‌رو باشد، دیگر چشم عقل کور می‌شود و آن که حرف نخست را می‌زند، غریزه و میل جنسی است و با آزادی روابط، نه تنها ناهنجاری‌ها کاسته نمی‌شوند، بلکه تشدید نیز می‌گردند. آیا در دنیای غرب که هر گونه اختلاطی مجاز و قانونی شمرده می‌شود، آزار جنسی و تنش‌ها بین پسر و دختر کم شده است؟ آیا روابط بین دو جنس سالم، معقول و منطقی است و هیچ‌گونه فساد و بی‌بندوباری در جوامع آنان به چشم نمی‌خورد؟ آیا آزادی بی‌حد و مرز، ارمغانی جز فروپاشی خانواده‌ها و گسترش انواع فساد و بیماری به جوامع بشری عطا کرده است؟ (ر. ک: شهید مطهری، ۱۳۸۱، ص، ۲۰) پس روشن شد که برخلاف نگرش این دسته، آزادی بی‌حد و مرز دختر و پسر نه تنها حساسیت‌ها را کاهش نمی‌دهد بلکه موجب ایجاد حساسیت و افزایش آن

نیز می‌گردد.

### ج: اختلاط زمینه ساز ازدواج آگاهانه

برخی از کسانی که معتقد به روابط باز و آزاد دختر و پسر هستند، معتقدند که اختلاط در روابط پسر و دختر، زمینه‌ساز انتخاب آگاهانه در امر ازدواج می‌شود. تا زمانی که پسر و دختر با یک‌دیگر در ارتباط نباشند، به جهت عدم شناخت کافی از خصوصیات روحی، رفتاری طرف مقابل در انتخاب همسر دچار مشکلاتی فراوانی خواهند شد. بنابراین، هر قدر تعامل و ارتباط بیشتر باشد شناخت بهتری از روحیات یک‌دیگر به دست می‌آورند و ازدواج در سایه‌ی شناخت، سالم‌تر و مطمئن‌تر می‌شود.

### نقد و بررسی

درست است که ارتباط بر شناخت مقدم است، اما کدام ارتباط و شناختی آگاهی بخش و راهنمای ازدواج شایسته است؟ ارتباطی می‌تواند مقدمه‌ی شناخت دقیق قرار گیرد که تحت حکومت عقل و خرد قرار داشته و به دور از احساسات و غرایز جنسی باشد، اما احساسات آتشی که دختران و پسران جوان در اغلب حالات دارند، احساساتی است که در آن، جنبه‌های روحی با جنبه‌های جسمی در هم آمیخته تا جایی که پسر و دختر گمان می‌کنند از نظر روحی یک‌دیگر را دوست دارند، ولی سرانجام پی می‌برند که عشق آن‌ها به یک‌دیگر صرفاً غریزی و شهوانی بوده است. (علامه فضل الله، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶) روابط پسر و دختر در زمینه‌ی ازدواج، در صورتی می‌تواند مفید باشد که اولاً: به نیت و قصد ازدواج باشد. ثانیاً: خانواده‌ها و متولیان امور در جریان باشند تا جوانان در این امر خطیر و سرنوشت‌ساز فریب نخورند. ثالثاً: شرایط کفویت و هم‌سانی بین طرفین بر قرار باشد.

### ۲. دیدگاه افراطی و سخت‌گیرانه

مطابق این دیدگاه هر نوع ارتباطی برای پسر و دختر جز در موارد ضروری جایز

نیست، این گروه برای صحت مدعای خویش به پاره‌ی از روایات استناد نموده‌اند و با تفسیر خاص خود مدعای مذکور را نتیجه گرفته‌اند، به عنوان مثال؛ یکی از روایات مورد استناد آنان اینست که حضرت زهرا(س) فرموده است: «برای زنان بهتر است که هیچ مردی را نبیند و هیچ مردی نیز آن‌ها را نبیند». (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۴، باب ۱۲۹، ح ۳) از این رو گفته‌اند که هر گونه ارتباطی بین دختر و پسر ممنوع است.

### نقد و بررسی

در نقد و بررسی این دیدگاه می‌گوییم: اولاً؛ بر اساس فتاوی‌ی بسیاری از فقها، اصل ارتباط و گفتگو، معاشرت و مصاحبت، سلام و احوال پرسی و... بین دختر و پسر، با رعایت موازین اسلامی ممنوعیتی ندارد؛ زن و مرد می‌توانند با رعایت حیا و پاک‌دامنی صدای هم‌دیگر را بشنوند، لیکن، زن نباید صدای خود را به گونه‌ای رقیق و نازک کند که مرد را به گناه بکشاند. ثانیاً؛ این گفتگو به قصد لذت جنسی صورت نگیرد. (سوره احزاب، آیه ۳۲)

روایاتی که بر منع حضور زنان در جامعه دلالت دارد حمل بر توصیه‌ی اخلاقی می‌شود، بدین معنا که زنان و مردان از خطرات ارتباط با هم‌آگاه شوند و از هر نوع ارتباط شبهه انگیز اجتناب کنند، کسانی که به مضمون چنین جمله‌های استدلال نموده‌اند غافل از آنست که چنین برداشتی با ادله‌ی قطعی آیات و روایات و سیره‌ی معصومین(ع) منافات دارد. بنابراین، این جمله‌ها حمل بر توصیه‌های اخلاقی می‌شود و ارزش اخلاقی دارد نه فقهی. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴، ص، ۵۴۸) هر چند به هیچ وجه نمی‌توان خطرات ناشی از روابط ناسالم میان دختر و پسر را کم اهمیت تلقی کرد، اما این امر نباید چنان باعث بدبینی گردد که هرگونه ارتباط میان دو جنس مخالف را غیر مجاز و ممنوع تلقی کنیم و در پاره‌ای از موارد منافع و مصالحی که در این ارتباط وجود دارد، نادیده گرفته شود. شکی نیست که معاشرت و مصاحبت دو جنس مخالف می‌تواند در برخی موارد، یکی از لغزشگاه‌های بزرگ به حساب آید، اما

آیا می‌توان به این دلیل، حتی با رعایت شرایط لازم هر گونه ارتباطی را محکوم کرد؟

### ۳. دیدگاه قرآن کریم در روابط پسر و دختر

از آن چه تا کنون مطرح نمودیم، روشن شد که معاشرت و تعامل ناسالم دختر و پسر هم برای فرد و هم برای اجتماع ناکارآمد و زیان‌بار است، از این‌رو در این بخش جهت تکمیل مباحث مطرح شده لازم است نگاهی داشته باشیم به روابط سالم دختر و پسر از دیدگاه قرآن کریم. از آنجا که قرآن کریم مبین عدل در تکوین و بیان‌کننده‌ی اعتدال در تشریح است، بدون تردید می‌توان گفت که دیدگاه قرآن در روابط دختر و پسر بر اعتدال و میانه‌روی استوار بوده و نگاه او حکیمانه و خرد پسند و راهکارهایش مطمئن و راهگشا است.

خداوند متعال در قرآن کریم برای سالم سازی روابط اجتماعی دو جنس مخالف، از شیوه‌های مختلف هدایتی استفاده نموده است، گاه نمونه‌های از روابط سالم را ذکر نموده و با شیوه‌ی الگویی، جوانان را به گونه‌ای صحیح ارتباطی آشنا می‌سازد. (سوره یوسف، آیه ۳۱-۳۲ و سوره قصص، آیات ۲۹-۲۳) و گاه فواید و ثمرات آن را بر می‌شمارد. (سوره مریم، آیه ۹۶ و سوره یونس، آیه ۶۲ و سوره رعد، آیه ۲۸) تا راهنمای باشد برای همه‌ی انسان‌ها به خصوص پسران و دختران جوانی که در مرادوات اجتماعی‌شان با الهام از دستورات انسان ساز قرآن کریم بنا دارند، حیات اجتماعی خود‌شان را بر اساس کرامت نفس و اصالت انسانی استوار سازند.

### توجه به الگوهای برتر در زندگی

یکی از ضروری‌ترین نیاز هر انسانی به خصوص جوانان، ارتباط با خداست، ارتباطی که دردها را درمان می‌کند و از دریای متلاطم نگرانی و ناامیدی، به ساحل امید و تلاش و آرامش می‌رساند. ارتباطی که در بسیاری از آیات قرآن کریم آرامش‌بخش دل‌ها معرفی گردیده است، قرآن کریم می‌فرماید: «تنها با ذکر خدا و



یاد خدا است که جان آرام می‌گیرد و قلب احساس آسایش می‌کند». (سوره رعد، آیه ۲۸) و نیز در سوره یونس می‌فرماید: «آگاه باشید که اولیای الهی و دوستداران حضرت حق هیچ خوف و حزنی در زندگی شان ندارند». (سوره یونس، آیه ۶۲) «مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه یاد خدا شود دل‌های شان [از عظمت] او بهراسد و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود ایمان‌شان افزوده می‌شود و آنان تنها به پروردگارشان توکل دارند». (سوره انفال، آیه ۲) امیرالمؤمنین (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «خداوند ذکر خودش را مایه‌ی جلا و روشنی دل‌ها قرار داده، و به این وسیله گوش باز و چشم بینا و دل مطیع و آرام می‌گیرد». (سید رضی، خطبه ۲۳۰)

خداوند متعال همواره ما را به این اصل اساسی توجه داده و یاد آور می‌شود که در کوران حوادث و درگیری‌های عملی و ذهنی به این اصل استوار متوسل شویم. قرآن برای تربیت ما، نمونه‌های بارزی را یاد آور شده است که در سایه‌ی اتکا به این اصل از مشکلات رهایی یافته‌اند؛ از جمله جریان یوسف (ع) و زلیخا و سرگذشت موسی (ع) و دختران شعیب (ع) می‌توان نام برد.

### ۱. یوسف (ع) الگوی برتر

قرآن کریم صحنه‌ی گرفتار شدن حضرت یوسف (ع) در چنگال زنی چون زلیخا را ترسیم می‌کند، که تنها ایمان و یاد خدا بود که توانست در آن شرایط بحرانی حضرت یوسف (ع) را نجات دهد. قرآن چه زیبا این صحنه را به نمایش گذاشته است:

أَوْ رَاوَدْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ { (سوره یوسف، آیه ۲۳) در یک طرف قضیه، زلیخا زن عزیز مصر قرار دارد که از یک طرف به جمال و زیبایی، زبان زد عصر خود بوده و از هر نوع امکانات آسایشی و آرایشی برخوردار بوده است و طرف دیگر داستان، هم حضرت یوسف (ع) هست که از یک سو جوانی است در اوج زیبایی و

جمال و توان‌مندی غرایز و از سوی دیگر، آراسته به حلم و تقوی و عفاف، به‌نحوی که یاد خدا و ایمان به او، در سراسر وجودش موج می‌زند؛ به‌دیگر سخن، خداوند متعال در این آیه، تمام عفت را در برابر تمام شهوت قراردادده است.

تا این‌جا قرآن صحنه را این‌گونه ترسیم می‌کند، سپس سلامت و نحوه‌ی نجات حضرت یوسف(ع) را (که همان هدف تربیتی پردازش قرآن کریم به چنین قصه‌ی است) زیباتر به تصویر می‌کشد؛ یوسف(ع) در آن شرایط بحرانی در برابر خواسته‌های زلیخا می‌گوید: **مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ** (سوره یوسف، آیه ۲۳) «یوسف گفت: پناه بخدا، در حقیقت او پرورش دهنده‌ی من است جایگاه مرا نیکوداشت [وخیانت به او ستمکاری است] و قطعاً ستم‌کاران رستگار نمی‌شوند». این آیه به همه‌ی انسان‌های در بند شهوت می‌آموزد که اگر در شرایطی قرار گرفتید که دست و پای‌تان را طناب شهوات بسته و همه درها به روی‌تان بسته شده است، به خداوند سبحان پناه ببرید که او بهترین پناهگاه است. **{نعم المولى ونعم النصير}**. بنابراین، مهم‌ترین پیامی که از این‌گونه آیات می‌توان گرفت، اینست که همه‌ی انسان‌ها به‌خصوص پسران و دخترانی که روزگار سرنوشت‌ساز جوانی‌شان را سپری می‌کنند، باید از این‌الگوهایی قرآنی‌الگوگیری نموده و به آنان تأسی کنند تا بتوانند همانند یوسف(ع) معصومانه از امتحان الهی بیرون آیند.

## ۲. موسی(ع) و دختران شعیب(ع)

قرآن کریم در آیات ۲۳ تا ۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی قصص، ماجرای ارتباط حضرت موسی(ع) را با خانواده و دختران شعیب(ع) ذکر نموده و جلوه‌های از کرامت نفس و طهارت روح آن‌ها را در ارتباط با هم‌دیگر به نمایش می‌گذارد، تا درس عبرتی باشد برای پسران و دختران جوانی که دوران ارزشمند جوانی‌شان را در ارتباط‌های نامشروع و غیر اخلاقی سپری می‌کنند و روح لطیف‌شان را به انواع انحرافات آلوده می‌کنند. قرآن کریم، ماجرا را این‌گونه آغاز می‌کند:

زمانی که حضرت موسی(ع) در مسافرتش از سرزمین مصر، به سوی مدین در حرکت بود در کنار چشمه‌ی آبی رسید، ناگهان متوجه شد که عده‌ی از مردان در کنار چاه آب ایستاده‌اند و در اطراف آن حلقه زده‌اند و به عیش و نوش مشغولند و کمی هم آن طرف‌تر، دو دختر با حیا را دید که منتظرند اطراف چاه خلوت شود تا آن‌ها گوسفندان‌شان را آب بدهند. **وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ** {سوره قصص، آیه ۲۳} حضرت موسی(ع) به سراغ آن دو رفت و از کار آنان پرسید که جریان کار شما چیست؟ چرا شما به چرای گوسفندان اقدام کرده‌اید؟ **قَالَ مَا خَطْبُكُمَا** {آنان در جواب گفتند، ما گوسفندان مان را سیراب نمی‌کنیم، تا این که آنان(مردان) از اطراف چاه بروند و کهن‌سالی و ناتوانی پدر موجب شده که به چرای گوسفندان اقدام کنیم. **قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصِدِّرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ** {آنگاه حضرت موسی(ع) که از لحاظ جسمی جوان قوی اندام و توانا بود، شبانان را از اطراف چاه کنار زد و دام‌های دختران(شعب) را سیراب نمود. **فَسَقَى لَهُمَا** {از آن جایی که موسی(ع) جوانی نبود که لحظات شیرین زندگی‌اش را بدون ارتباط با خدا سپری کند، پس از این عمل خیرخواهانه، به سایه‌ی پناه برد و به شکرانه‌ی الطاف بی‌کران الهی لحظه‌ای را با خدای متعال به مناجات و راز و نیاز پرداخت و از خداوند مسئلت نمود که: **رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ** {سوره قصص، آیه ۲۴} آنگاه دختران(شعب) به خانه رفتند و ماجرای گفتگو و برخوردشان با جوان نیرومند مصری را به پدرشان گزارش دادند، و او نیز با فراست(علم نبوت) دریافت که این جوان نیرومند، می‌تواند فردی مناسب برای چوپانی درخانه‌ی وی باشد، از این رو، در پی تحقیق بیشتر برآمد، به یکی از دخترانش وظیفه داد تا جوان نیکوکار مصری را به‌خانه دعوت نماید.

دختر شعب با حیا و عفت کامل و زیرکی تمام، این کار را انجام داد. **فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِخْيَاءٍ** {سوره‌ی قصص، آیه ۲۵} نزد موسی(ع) رفت و به او گفت از طرف پدر به خدمت رسیده‌ام و پدرم تو را فرا خوانده تا پاداش نیکوکاری‌ها و

سقايت دامها را به تو ببخشد. **إِذْ أَبَى يَدْعُوكَ لِيُخْرِجَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا**؛ موسی (ع) نیز این دعوت را با کمال میل پذیرفت و به ملاقات پیر مدین یعنی شعیب پیامبر (ع) شتافت و زندگی پر ماجرای خود را شرح داد که چگونه در کاخ فرعون بزرگ و تربیت شده است و هم اکنون تحت تعقیب عمال مصری می باشد. **فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ**؛ حضرت شعیب (ع) که خود آب دیده ای فراز و نشیب های روزگار بود، به موسی (ع) دل داری داد و دعوت به آرامش نمود. **إِذْ قَالَ لَا تَخَفْ نَجْوَتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ**؛ پس از ملاقات و گفتگوی چهره به چهره ی پیر مدین و جوان مصر، صفحه ی زندگی موسی (ع) عوض شد و به برکت کارهای خیری که انجام داده بود خداوند زندگی او را دگرگون و الطافش را شامل حال او نمود و یکی از دختران شعیب به پدر پیشنهاد داد که او را برای شبانی استخدام نماید؛ زیرا موسی (ع) جوانی بود که فتوت و جوان مردی و طهارت روح در او آشکار بود، و آن ها او را از هر جهت برای کارهای منزل شان مناسب دیده بودند. **إِذْ قَالَ إِخْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ**؛ (سوره قصص، آیه ۲۶) این پیشنهاد، آغاز خیری بود برای سر و سامان یافتن جوان مصر و پیر خردمند مدین که کنایه ی دخترش را فهمید و پیشنهاد ازدواج یکی از دخترانش را به او داد. **إِذْ قَالَ إِنِّي أَنَا أُرِيدُ أَنْ أُكَيِّمَكَ إِخْدِي ابْنَتِي هَاتَيْنِ**؛ (سوره قصص، آیه ۲۷)

### پیام های تربیتی آیات شریفه

از مجموع آیات بازگوکننده ی ماجرای مذکور، نکات جالب و آموزنده ی استفاده می شود که توجه به آن ها برای پسران و دختران جوان لازم و ضروری است، تا به عنوان الگو و سرمشق در زندگی شان از آن، استفاده نمایند:

۱. اولین پیام تربیتی که در زندگی حضرت موسی (ع) به چشم می خورد، نحوه ی ارتباط او با خدای متعال است؛ ارتباط با خدا در تمام مراحل عمر حضرت موسی (ع) جریان داشت، چه زمانی که در کاخ فرعون به سر می برد و چه زمانی که در سرزمین

مدین و میان خانواده‌ی شعیب(ع) زندگی می‌کرد، و چه در دوران مبارزاتش با فرعون مستبد و خودکامه... که جلوه‌هایی از این ارتباط را در دفاع و حمایت از مظلومین و ستم‌دیده‌گان قلمرو حکومت فرعون‌ی (سوره قصص، آیه ۱۵) و یاری رساندن و کمک به دختران شعیب(ع) در کنار چاه مدین (سوره قصص، آیه ۲۳) و راز و نیازها و مناجات‌هایش چه در بیابان‌های مدین(سوره قصص، آیه ۲۴) و چه در کوه طور و غیر آن، می‌توان ملاحظه نمود. (سوره طه، آیات ۳۲-۲۵) عبادت‌ها و مناجات‌های سرشار از عشق و اخلاص موسی(ع) حکایت از معرفت و شناخت بالای او نسبت به خدای متعال دارد. به نحوی که کلید سعادت‌مندی و رمز و راز موفقیت او را تنها در همین نکته‌ی اساسی می‌توان جستجو کرد. او از فرصت‌ها چنان استفاده نمود که هر روزی که از عمرش می‌گذشت معرفت و شناخت او نسبت به خداوند متعال بیشتر و عمیق‌تر گشته و عزم و اراده‌اش در مبارزه با طاغوتیان و بت پرستان قوی‌تر و مصمم‌تر می‌گشت.

این ویژگی حضرت موسی(ع) در تمام آیات مورد بحث، به‌خصوص در فراز اَرْبُ {إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ مِنَ خَيْرٍ فَهَيِّئْ} (سوره قصص، آیه ۲۴) که نهایت فقر و ذلت خود را به‌خدای متعال عرضه می‌کند، به‌وضوح نمایان است. آن بزرگوار، چنان نیازمندی و فقر از خود به‌نمایش می‌گذارد که عابدان و شب زنده‌داران چیره‌دست را به حیرت فرو می‌برد. از این پیام مهم چنین نتیجه می‌گیریم که زندگی چنین شخصیتی می‌تواند سرمشق همه‌ی انسان‌ها به‌خصوص پسران و دختران جوان ما قرار گیرد تا آنان بتوانند در پرتوی این ارتباط، دوران جوانی خودشان را، با نشاط سپری نموده و از آسیب‌ها و خطرات احتمالی آن محفوظ بمانند.

۲. دومین پیام مهم آیات شریفه، در نحوه‌ی ارتباط حضرت موسی(ع) بادختران شعیب(ع) نهفته است، حضرت موسی(ع) در ارتباطش با دختران شعیب چنان با کرامت نفس و بزرگواری برخورد نمود که در نخستین ارتباط، آنان مجذوب او گشتند. آن جایی که عمل خیرخواهانه‌ی سقایت دام‌ها را انجام داد کاملاً در لباس

تقوی و بزرگواری بود، که شواهد ذیل می تواند مؤید آن باشد: **یک:** به هردو دختر نگاه مساوی نمود { **وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ** } (سوره قصص، آیه ۲۳) تا مورد اتهام قرار نگیرد و به دام وسوسه‌ی شیطان نیافتد. **دو:** هردو دختر را مخاطب ساخت تا مورد سوء تفاهم قرار نگیرد. { **قَالَ مَا خَطْبُكُمَا** }.

۳. قرآن کریم در آیات مذکور به برخی خصال پسندیده‌ی دختران شعیب اشاره نموده است که می تواند برای دختران جوان مسلمان بهترین سرمشق و الگو باشد. آنان در ارتباط با مردان بیگانه طوری عمل می کردند که با آنها مخلوط نشوند، و کار کردن آنها عوارضی به دنبال نداشته باشد. این نکته از دو کلمه‌ی { **وَ وَجَدَ** } که در آیه، به کار رفته قابل استفاده است. آیه‌ی شریفه، می فرماید: «وقتی موسی کنار چاه رسید عده‌ای از مردان را اطراف چاه دید» { **وَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ** } سپس می فرماید: «دو دختر را نیز کمی آن طرف تر از مردان مشاهده نمود» { **وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ** } از این تعبیر، بر می آید که دختران شعیب در مکانی غیر از محل اجتماع مردان نشسته بودند و گرنه استعمال یک بار کلمه‌ی { **وَ وَجَدَ** } کافی بود؛ زیرا با یک چشم انداز، قابل رؤیت بود و نیازی به دو بار تکرار نداشت. (محسن قرائتی، ۱۳۷۴، ذیل آیه شریفه)

۴. دختران شعیب(ع) در برابر پرسش موسی(ع) زیرکانه جواب بسیار کوتاه دادند، یعنی؛ تا جایی که لازم بود با جنس مقابل ارتباط برقرار کردند؛ زیرا از یک سو گفتند برای سیراب کردن گوسفندان آمده‌ایم و از سوی دیگر، بیان کردند که نمی‌خواهیم با مردان بیگانه مخلوط شویم، و از طرف سوم علت کارکردن خود را بیان کردند که به خاطر یاری پدر بوده است.

۵. وقتی موسی(ع) را طبق دستور پدر دعوت نمودند و به طرف خانه همراهی کردند کاملاً حیا و عفاف را رعایت نمودند، همان گونه که قرآن می فرماید: { **فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ** } (سوره قصص، آیه ۲۵) یعنی نوع راه رفتن شان

نشان‌دهنده‌ی شخصیت‌شان بود. بنابراین، اگر پسران و دختران در روابط خودشان با دیگران این‌گونه موازن اخلاقی و نکات تربیتی را رعایت کنند، می‌توانند از کرامت انسانی و شخصیت‌شان دفاع نمایند، و دست افراد آلوده و طمع‌ورز را از حریم خصوصی و زندگی شخصی‌شان کوتاه کنند.

## پیامدهای روابط ناسالم

ارتباط‌هایی که از راه غیر صحیح و بدون رعایت موازن شرعی و اخلاقی ایجاد می‌شود پیامدهای را به دنبال دارد که موجب انحرافات فردی و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. به‌گونه‌ای که هم دامن فرد را می‌گیرد و هم دامن اجتماع را، که به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### الف ( پیامدهای فردی

روابط ناسالم دختر و پسر علاوه بر افزایش هیجان‌های جنسی در سطح اجتماع، برای خود فرد نیز پیامدهایی را به همراه دارد که هرکدام به تنهایی می‌توانند فوق‌العاده شکننده باشند، برخی از نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

۱. **ابتلا به افسردگی:** برقراری این‌گونه روابط در سنین جوانی از آن‌جا که اغلب به ازدواج نمی‌انجامد، فرد را دچار افسردگی می‌کند، اسلام با انشای حکم ازدواج موقت، به‌عنوان حکم ثانوی و همراه با شرایط خاص، این معضل را معالجه کرده است. (اسدالله محمدنیا، ص ۱۷۶)

۲. **افت تحصیلی:** دختران و پسرانی که با یک‌دیگر طرح دوستی و رفاقت می‌ریزند معمولاً دچار افت تحصیلی بسیار شدیدی می‌شوند؛ زیرا با توجه به‌آزمایش‌های میدانی انجام گرفته، این‌گونه ارتباطات باعث بروز عشق و عاشقی و افتادن به‌ورطه‌ی خیال می‌شود که نتیجه‌ی آن، در اغلب موارد، افت شدید تحصیلی و در مواردی نیز، ترک آن است. (محمد علی رضایی، ج ۱، ص ۱۲۴)

۳. افزایش هیجان‌های جنسی: وجود روابط و معاشرت‌های لجام گسیخته بین دو جنس مخالف، هیجان‌ها و التهابات جنسی را افزایش می‌دهد همان‌گونه که شهید مطهری (ره) در این خصوص می‌نویسد: «نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهابات جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد، غریزه‌ی جنسی غریزه‌ای نیرومند و عمیق و دریا صفت است هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌شود هم‌چون آتش که هرچه بیشتر به آن خوراک بدهند شعله‌ور تر می‌شود.» (مرتضی مطهری، ۱۳۸۱، ص ۸۴)

۴. ازدواج‌های نائشایسته: طبق تحقیقات صورت گرفته موارد اندکی از این گونه ارتباط‌ها منجر به ازدواج می‌شوند، از آن جا که این گونه ازدواج‌ها جنبه‌ی عقلانی ندارد و صرفاً بر اساس خیال و احساسات صورت می‌گیرد، لذا معمولاً پای‌دار نمی‌ماند، از این‌رو در بیشتر موارد به طلاق و جدایی می‌انجامد به گفته‌ی مولوی:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود      عشق نبود عاقبت ننگی بود

### ب) پیامدهای خانوادگی

بدون شک سلامت خانواده‌ها در گرو سلامت افراد آنست، مسلماً روابط ناسالم دختر و پسر استحکام خانواده را متزلزل و نهاد مقدس آن را آشفته خواهد نمود که به‌برخی از پیامدهای آن اشاره می‌شود:

۱. نگرانی والدین: از آن جایی که این‌گونه روابط در ابتدا به صورت پنهانی و دور از چشم والدین برقرار می‌شوند پس از آشکار شدن، باعث نگرانی والدین و اضطراب روحی و روانی آنان می‌گردد و روند زندگی خانوادگی به طرف بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی و بدبینی خواهد رفت؛ زیرا پدر و مادر از به کمال رسیدن چنین فرزندان ناامید می‌شوند.

۲. سست شدن اساس خانواده: فرزندان که حریم امن خانواده و دامن



پاک پدر و مادر را رها می‌کنند و به آغوش افراد هوس‌باز پنهانده می‌شوند، بی‌تردید با رفتارهای مشکوک و روابط غیر اخلاقی خود آرامش را از خانواده سلب نموده و به‌جای صمیمیت متقابل، بدبینی و بی‌اعتمادی را در فضای خانه حاکم می‌کنند که این خود، بنای محکم و اساس استوار خانواده را متزلزل کرده و موجب از هم پاشیدنش خواهد شد. علاوه بر آن، دختر و پسری که به‌دنبال رابطه‌های ناشایسته‌ی اخلاقی می‌باشند در زندگی مشترک آینده‌شان نیز، هرگز به سکونت و آرامش نخواهند رسید و روی محبت و مودت را نخواهند دید؛ زیرا دختری که در عنفوان جوانی پرده‌ی حیا و عفت را دریده و به‌راحتی با جنس مخالف ارتباط برقرار می‌کند و با ناز و کرشمه و حرکات شیطانی خود، باعث توجه مردان ضعیف‌الایمان می‌شود، مردان نیز به‌چنین همسرانی بی‌اعتنا می‌شوند و باعث از هم‌پاشیدگی زندگی یک یا چند خانواده می‌شود. (فاطمه محمدی، ۱۳۸۱، ص ۹۶)

**۳. عدم موفقیت در انجام رسالت تربیت فرزند:** پدران و مادرانی که خود از تربیت اسلامی برخوردار نشده باشند و از جوانی به‌دنبال خواهش‌های نفسانی و روابط غیر اخلاقی باشند، فرزندان خود را نیز، در این نابسامانی قربانی خواهند نمود و از انجام رسالت تربیت آن‌ها سربلند بیرون نخواهند آمد؛ زیرا پدر و مادری که تعریف روشنی از زندگی نداشته باشند و برنامه‌ی مشخصی برای تربیت فرزندان خودشان تدارک ندیده باشند، نمی‌توانند این مهم را به انجام برسانند. (علی اصغر احمدی، بیتا، ص ۵۱) همان‌گونه که امام علی(ع) می‌فرماید: «حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۸۱) سجایای اخلاقی دلیل اصالت و فضیلت ریشه‌ی خانوادگی است.

## ج) پیامدهای اجتماعی

روابط ناسالم دختر و پسر، علاوه بر آفات و آسیب‌های فردی، پیامدهای بسیار خطرناک اجتماعی را به همراه دارد که به لحاظ اهمیت قطعاً کمتر از پیامدهای فردی و خانوادگی نیست ما در این جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱. اشاعه‌ی فساد و فحشاء: بارزترین پیامد زیان‌بار اجتماعی روابط ناسالم

پسر و دختر اشاعه‌ی فساد و فحشاء در جامعه است؛ زیرا روابطی که به صورت مرموز و مخفیانه و از طریق تلفن، رد و بدل کردن عکس، ارتباطات اینترنتی و... شروع می‌شود، در ادامه غریزه‌ی سرکش جنسی به این حد قناعت نخواهد کرد، بلکه قرار ملاقات‌ها گذاشته می‌شود و در دید و بازدیدها و روابط اجتماعی باز طرفین، علاقه ایجاد می‌شود (که هرچه دیده بیند، دل کند یاد) رفته رفته آن قدر به یکدیگر وابسته می‌شوند که اگر موفق به دیدار یکدیگر نشوند آسایش از آن‌ها سلب می‌شوند و این انس و علاقه‌ی شدید کم‌کم به صحنه‌ی اجتماع کشانده شده و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد که نتیجه‌ی آن، سلب آرامش عمومی و بهم خوردن امنیت اجتماعی و اشاعه‌ی فحشاء و فساد خواهد بود. معضلی که امروزه بسیاری از نهادهای اجتماعی را به آشفتگی و نابسامانی کشانده و برخی از مظاهر آن در پایین آمدن سطح علمی دانشگاه‌ها و روند رو به رشد آمار طلاق و بی‌سروسامانی هزاران کودک معصوم تجلی یافته است، انحرافات که رساله‌ها و پایان نامه‌های فراوانی را به خود اختصاص داده و اندیشه‌ی صاحب نظران را به خود معطوف داشته است، اما هنوز دردهای ناشی از این معضل خانمان‌سوز، درمان نشده و این معضل هم چنان از معضلات جدی جامعه محسوب می‌شود. (ر. ک: فاطمه محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷)

### ۲. ائتلاف نیروهای فعال و جوان جامعه: بی‌تردید جوانان از سرمایه‌های

ارزشمند یک جامعه به حساب می‌آیند و جامعه اگر بخواهد در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیشرفت نماید، باید از این سرمایه‌های ارزشمند به نحو مطلوب بهره‌برداری نماید. اگر اجتماع آلوده شود و نیروهای جوان جامعه به انحراف کشانده شوند و روابط غیراخلاقی بین پسران و دختران جوان و نوجوان

حاکم شود، دیگر جامعه سلامت خود را از دست خواهد داد و از پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف ناکام خواهد ماند. (حسین انصاریان، ۱۳۸۰، ص ۲۶۲) شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌نویسد: «کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت را ضعیف می‌کند، برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند که حجاب موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست، حجاب به صورت زندانی کردن و محروم کردن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد، و اسلام مانع فعالیت اقتصادی و تحصیلی و... زن نمی‌شود. پوشانیدن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی نیست، آنچه موجب فلج کردن اجتماع می‌شود، آلوده کردن محیط کار و فعالیت به لذت‌جویی‌های شهوانی است.» (مرتضی مطهری، ۱۳۸۷، ص ۹۲)

### نتیجه و جمع بندی

از مجموع آنچه در این نوشتار آمده به دست می‌آید که دیدگاه قرآن در خصوص روابط دختر و پسر، دیدگاه اعتدالی و میانه بوده و روابط آن‌ها را با رعایت موازین شرعی و اخلاقی جایز می‌داند. در بسیاری از آیات نیز راهکارهایی را برای سالم‌سازی روابط دختر و پسر ارائه می‌کند که از مجموع آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم تنها راه پیش‌گیری یا درمان انحرافات و ناهنجاری‌های حاصل از روابط غیرمشروع دختر و پسر را رعایت تقوی و تقویت ایمان و مبانی اخلاقی و اعتقادی آنان می‌داند. دین مقدس اسلام با نیروی عظیم ایمان و عشق به خداوند متعال در ضمیر پیروان حقیقی خود، سد عظیمی به وجود آورده که در مقابل کوبنده‌ترین طوفان و تندبادهای غرایز و نیرومندترین هیجانات شهوانی مقاومت نموده و تمایلات سرکش و نیرومند را به راحتی مهار می‌کند. چنان‌که ایمان حضرت یوسف (ع) در برابر

غریزه‌ی توانمند جنسی زلیخا فرو نریخت و مقاومت نمود که قرآن از آن، به‌عنوان الگو یاد نموده است و همگان را به‌داشتن چنین ایمانی فراخوانده است. همان‌گونه که متانت و صلابت ایمان حضرت موسی(ع) و حیا و عفت دختران شعیب(ع) از آنان، الگویی تمام‌عیاری برای جوانان مسلمان ساخته است.

## منابع

۱. احمدی، علی اصغر، تحلیل تربیتی بر روابط پسر و دختر در ایران، انتشارات اولیا و مربیان، ۱۳۷۶، چاپ چهارم.
۲. التمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۳. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام‌ایبها، ۱۳۸۰.
۴. بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳، چاپ اول.
۵. رضایی، محمد علی، روابط دختر و پسر، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۶. عاملی، حر، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۷. فضل، سید محمدحسین، دنیای زن، نشر سهروردی، ۱۳۸۳، چاپ اول.
۸. قرآنتی، محسن، تفسیر نور، در راه حق، ۱۳۷۴، چاپ اول.
۹. محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، بی‌تا.
۱۰. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، صدرا، ۱۳۸۴، قم.

۱۱. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی، صدرا، ۱۳۸۱، چاپ شانزدهم.

۱۲. محمدی، فاطمه، ناهنجاری های اخلاقی در روابط دختر و پسر، دانشکده

اصول دین، پایان نامه دفاع شده در سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱.

۱۳. نیک زاد عباس، روابط زن و مرد، مجله ی بازتاب اندیشه، آبان و آذر ۱۳۸۳،

شماره ۵۶ و ۵۵.